

A survey of satire techniques and patterns in Mohammad Ali Afrashteh's poetry *

Dr. Asad Rajab Nawaz Bijarps¹

PhD student in Persian Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin

Abstract

Mohammad Ali Afrashteh is one of the most distinguished satirical poets in contemporary Persian poetry that has been neglected in literary research in spite of his fame. Using a descriptive-analytical method, this article seeks to show the effects of political and social concepts in the poet's satire and focuses on the rhetorical and linguistic techniques in satirical poems. At first, the famous satire theories are considered to classify his satirical techniques according to the poetic evidence in linguistic and rhetorical techniques. Then, these categories are assigned as subjects like parody, rhetorical elements, and techniques such as ironical expressions, linguistic functions, comic titles, and so on. The results show that Afrashteh has used both common and stylish satire techniques to improve the literary form of satire and influence the audience. Without noticing the security considerations in the second Pahlavi era, he has used the language of ordinary people to criticize the social and political issues explicitly.

Keywords: Afrashteh, Political and social satire, Satire techniques, Second Pahlavi era.

* Date of receiving: 2019/2/28

Date of final accepting: 2020/10/05

1 - email of responsible writer: asadrajabnavaz@gmail.com

فصلنامه علمی کاوش نامه

سال بیست و دوم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۴۸

صفحات ۲۶۰-۲۳۱

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.48.8.8](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.48.8.8)

بررسی شگردها و الگوهای طنزپردازی در اشعار محمدعلی افراشته* (مقاله پژوهشی)

دکتر اسد رجب نواز بیجاریس^۱

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

دهه‌های هزار و سیصد بیست و سی به دلیل وجود مسائل سیاسی-اجتماعی فراوان، دوره رونق طنز در ادبیات فارسی معاصر به شمار می‌رود. این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی و با محوریت تکنیک‌های بلاغی و زبانی طنز محمدعلی افراشته (۱۲۸۷-۱۳۳۸)، شاعر معاصر، سعی در نمایش جلوه‌های تأثیر مفاهیم سیاسی-اجتماعی در طنز شاعر دارد. به این منظور، ابتدا بر اساس شواهد شعری، شگردهای طنز افراشته را منطبق بر نظریه‌های مشهور طنز، به دو دسته شگردهای بلاغی و زبانی تقسیم کرده‌ایم. سپس هر یک از این دسته‌ها را تحت عناوینی چون: نقیضه، عناصر مختلف بلاغی و روش‌هایی مانند: انواع آیرونی، کارکردهای زبانی، عناوین طنزآمیز و... طبقه‌بندی کرده‌ایم.

نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراشته به منظور ارتقای وجه ادبی طنز و تأثیر بیشتر بر مخاطب، از شگردهای رایج و سبکی طنز، استفاده کرده و با بهره‌گیری از زبان توده مردم، بدون توجه به ملاحظات امنیتی در عصر پهلوی دوم به انتقاد صریح از مسائل سیاسی، اجتماعی پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: محمدعلی افراشته، طنز سیاسی-اجتماعی، تکنیک‌های زبانی و بلاغی طنز، عصر پهلوی.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: asadrajabnavaz@gmail.com

۱- مقدمه

واژه طنز که در لغت، طعنه‌زدن، مسخره‌کردن، عیب‌جویی معنا شده، در اصطلاح، کلامی هنری و خنده‌انگیز است که با هدف اصلاح جامعه، از شخص، تیپ اجتماعی و یا موضوعی خاص، انتقاد می‌کند. هرچه در جامعه‌ای شرایط نامناسب بیشتر جلوه کند، ابزار طنز نقش مهمتری ایفا می‌کند. از این رو، نابسامانی‌های جامعه، ضعف‌های اخلاقی، فساد اجتماعی و اشتباهات بشری، به طنز کارکرد انتقاد و اصلاحگری می‌دهند.

با وجود برخی طنزهای شاخص در ادبیات کلاسیک ما نظیر آثار عبید زاکانی و اشعار حافظ، طنز به معنای انتقاد سیاسی-اجتماعی، در گذشته، چندان رواج نداشته و از این رو در سیر تاریخی، بیشتر این نوع طنزها به بعد از انقلاب مشروطه مربوط است. در عصر رضاخانی (۱۲۹۹-۱۳۲۰) به علت عدم انعکاس مسائل عمقی در شعر، از میزان اشعار طنز کاسته و انتقادهای سطحی شد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۵۰)؛ اما در دوره پهلوی دوم با رشد کمی نشریات طنز و اشاعه انتقاد صریح، طنز سیاسی-اجتماعی گسترش یافت و شاعران و نویسندگان طنز با آزادی بیشتری نسبت به دوره قبل، دست به قلم بردند که محمدعلی افراشته نیز در زمره آنهاست.

وی که در سال ۱۲۸۷ در روستای «بازقلعه» سنگر از توابع رشت متولد شد، از برجسته‌ترین چهره‌های طنز در شعر معاصر به حساب می‌آید. وضعیت ایران در عصر شاعر، شرایط جغرافیایی گیلان و پیشتاز بودن این سرزمین در اندیشه‌های چپ‌گرا باعث انسجام افکار حزبی افراشته و پیوستن وی به حزب توده شد و در این راه، از دیگر هم‌حزبان خود، سبقت گرفت؛ به طوری که خود را شاعر توده ایران می‌دانست و مقامی بهتر از آن برای خود قائل نبود (افراشته، ۱۳۵۸: ۴۴).

تا قبل از دهه بیست، عمده شهرت افراشته در زمینه اشعار گیلکی او بود؛ اما شرکت در کنگره نویسندگان و خواندن دو شعر سمبلیک خود به نام‌های «پالتوی چهارده ساله» و «شغال محکوم» در حضور بزرگانی چون ملک‌الشعراى بهار، دهخدا، صادق هدایت،

آل احمد و...، نقش زیادی در شهرت طنزهای افراشته، بویژه اشعار فارسی داشت. طنز در کارنامه ادبی افراشته جایگاه ویژه‌ای دارد. در اشعار وی کارگران، دهقانان، پلیس و شهربانی، بازاریان، تاجران، کارخانه‌داران و... موشکافانه موضوع طنز شده‌اند. به همین دلیل، از وی با عنوان «صدای ادبیات کارگری» نام برده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۵۹).

۲- ضرورت تحقیق

با وجود گذشتن بیش از یک قرن از زندگی محمدعلی افراشته، زندگی و اشعار او در حوزه تحقیقات ادبی مغفول مانده است. اگرچه در سال‌های اخیر کسانی در صدد معرفی آثار شاعر برآمده‌اند، لیکن این کوشش‌ها نیز بسیار محدود است. از طرف دیگر، اگرچه ممکن است بیشتر طنزهای سیاسی-اجتماعی هر عصری (بویژه طنزهای ژورنالیستی) بیان اوضاع روز یک جامعه باشد، اما بعدها محتوای آنها بخش مهمی از تاریخ سیاسی-اجتماعی آن کشور خواهد بود. بنابراین کاوش در طنزهای ادبیات معاصر از جمله راه‌های شناخت تاریخ معاصر ایران است.

۳- سابقه تحقیق

از پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با اشعار محمدعلی افراشته می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

موسوی در مقاله «بازتاب قشربندی اجتماعی در اشعار طنز نسیم شمال و افراشته» (۱۳۸۳) مهم‌ترین طبقات اجتماعی مثل مالک، دهقان و کارگر را در پژوهشی تطبیقی با عنوان بررسی کرده است؛

پارس‌پور و خوئینی در مقاله خود با عنوان «محتوای طنز در آثار محمدعلی افراشته» (۱۳۹۵) با تحلیل محتوایی طنز در نظم و نثر افراشته برخی از مهم‌ترین درونمایه‌های سیاسی-اجتماعی را در آثار وی کاویده‌اند؛

دکتر مه‌بود فاضلی و همکاران در مقاله «تحلیل انتقادی دو اثر طنزآمیز دیوان خروس لاری از ابوالقاسم حالت و مجموعه آثار محمدعلی افراشته براساس الگوی ون لیوون» (۱۳۹۸)، پس از تحلیل و مقایسه دو اثر یادشده به این نتیجه رسیده‌اند که قدرت‌های حاکم و فرایندهای ایدئولوژی دوران پهلوی دوم بر میزان صراحت و پوشیدگی کلام در این دو اثر، تأثیر بسزایی داشته است.

نوشتار حاضر با مقاله‌های یاد شده تفاوت بنیادی دارد، به این صورت که در مقاله نخست بحثی از تحلیل شگردهای طنز افراشته نیامده است. مقاله دوم به تحلیل محتوایی، مضمونی آثار افراشته متکی است و بخش عمده‌ای از شاهد مثال‌ها از آثار منثور افراشته انتخاب شده است. موضوع مقاله سوم نیز اساساً با شگردهای طنزپردازی بیگانه است. علاوه بر این، موضوع پایان‌نامه‌های «بررسی ادبی، اندیشگانی اشعار محمدعلی افراشته» (۱۳۹۰) و «صورت و محتوای طنز در آثار محمدعلی افراشته» (۱۳۹۳) نیز به شعر و نثر افراشته اختصاص دارد.

به‌رغم این پژوهش‌ها، تاکنون پژوهشی مشخصاً با این عنوان صورت نگرفته است که این امر، به جنبه‌های نوآورانه مقاله حاضر می‌افزاید. نگارنده در این مقاله کوشیده است تا با طبقه‌بندی طنز در شعر افراشته، و نقش عناصر زبانی و بلاغی در معناآفرینی طنز وی، نشان دهد محمدعلی افراشته که کسانی نظیر شفیعی کدکنی، حسین جوادی، ابراهیم نبوی و... وی را طنزسرایی جامع‌الاطراف، صاحب سبک و تأثیرگذار در شعر معاصر فارسی دانسته‌اند، چگونه از طریق طنز و تکنیک‌های آن، نسبت به مسائل و معضلات جامعه خویش به اعتراض برخاسته است. محورهای اساسی مقاله پاسخ به سؤالات زیر است:

۱- طبقه‌بندی شگردهای زبانی و بلاغی طنز در شعر افراشته به چه صورت است؟

۲- کدام شگردها در طنز وی پررنگ‌ترند؟

۴- بحث و بررسی

زمینه‌های طنز شعر افراشته بیشتر مرهون تکنیک‌هایی است که اساس بیشتر آنها منطبق با طبقه‌بندی طنزپژوهان معاصر است. برخی از شگردهای طنز وی، مانند به‌کارگیری عناصر مختلف صورخیال، بویژه کنایه‌های موصوفی و تشبیه به حیوانات، شخصیت‌محور هستند و عامل کمیک در آنها ضعف‌های شخصیتی قربانیان طنز است. این شگردها با تقسیم‌بندی حسین جوادی منطبق است. وی شگردهای طنز را به دسته‌هایی چون کوچک‌کردن، بزرگ‌کردن، نظیره طنزآمیز، طعنه یا کنایه طنزآمیز و... تقسیم کرده است (ر.ک.: جوادی، ۱۳۸۴: ۷۱-۲۳). شگردهایی مثل انواع آبرونی، موقعیت‌محور هستند و غافلگیری و وقوع نامنتظره یک موقعیت زمینه‌ساز طنز می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۶۶ و اصلانی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

علاوه بر این شگردهای رایج، طنزهای افراشته شگردهای دیگری نیز دارد که در طبقه‌بندی دیگران، به آن اشاره‌ای نشده است و ما، در این مقاله، با عنوان شگردهای «نوآورانه» به آن پرداخته‌ایم. نظیر عناوین طنزآمیز، واژه‌سازی و تیپ‌سازی. با تکیه بر تقسیم‌بندی‌های گوناگونی که از طنز ارائه داده‌اند، شگردهای طنزآفرینی افراشته شامل موارد زیر است:

۴-۱- شگردهای بلاغی

با تحلیل سبک‌شناسانه طنز افراشته می‌توان دریافت که برخی شگردها مثل عناصر بلاغی، به شیوه رایج شاعران طنزسرا و مجلات فکاهی عصر شاعر است؛ اما افراشته با کاربرد عناصر بلاغی در طنز و خلق طنزهای تمثیلی، فضایی را ترسیم کرده است تا علاوه بر خنده‌انگیزی، حقیقتی جدی را بیان و با نشان دادن الگویی از اعمال و حرکات قربانیان طنز، از عملکرد آنان انتقاد کند. کاربرد عناصر بلاغی در طنز وی متنوع است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۴-۱-۱- انواع کنایه

اساس طنزآمیز بودن کنایه را در تناقض یا عدم تناسب بین زندگی واقعی و آن نوع زندگی که فکر می‌کنیم باید باشد می‌دانند (ر.ک.: سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۸). کنایه به سبب بسامد کاربردی، مشخصه اصلی طنز افراشته است و به دلیل دربردارنده زبان و فرهنگ مردم عادی، عامل اصلی مردمی‌بودن شعر وی محسوب می‌شود.

بیشتر کنایه‌های وی متناسب با اوضاع سیاسی-اجتماعی عصر شاعر، بیان دردهای مردم و مصداق بارز این سخن کزازی است که گفته است: «کنایات بازتاب زندگی مردمی است» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۳۹). برخی از کنایه‌ها، بویژه عبارت‌های فعلی به مثل نزدیکند که این امر، شعرش را هرچه بیشتر به مخاطب عام نزدیک می‌کند، نظیر «دم در جیب‌داشتن» (افراشته، ۱۳۵۸: ۴۷)، «اجاق کسی کوربودن» (همان: ۷۳)، «پالان پشت کسی نهادن» (همان: ۱۱۴) «مهره شطرنج بودن» (همان: ۱۶۴)، «پته روی آب انداختن» (همان: ۲۰۲)، «موس موس کردن» (همان: ۲۳۱) و ...

نوع دیگر، کنایه از گونه موصوف است: «کنایه از موصوف آن است که یک یا چند صفت یا لقب از موصوفی را بگویند و خود آن موصوف را اراده کنند» (نوروزی، ۱۳۷۶: ۴۹۹). اوضاع جامعه ایران در عصر شاعر، همچنین پیوستگی‌های اجتماعی و درگیری‌های سیاسی، اعتراض و انتقاد افراشته را نسبت به برخی از شخصیت‌ها برانگیخته است، مانند «صدی هشتاد» در بیت:

باز رو آمده بازار کساد صدی هشتاد به رونق افتاد

(افراشته، ۱۳۵۸: ۲۱۲)

صدی هشتاد، کنایه از رشوه‌گیری و به پلیس و شهربانی در عصر شاعر اشاره دارد. از آن‌جا که در دهه‌های بیست و سی به دلیل رشوه‌گیری، به پلیس‌ها صدی هشتاد می‌گفتند، افراشته نیز به طنز آنها را به همین نام خوانده است. وی همچنین شهربانی و ژاندارم را با تعبیر «امپراتور ده» توصیف می‌کند. از نظر وی، ژاندارم‌ها به خاطر

رشو‌هایی که از روستاییان می‌گرفتند، حاضر نبودند به شهر برگردند چون زندگی در روستا را از اقامت در پایتخت بهتر می‌دانستند. از این رو، افراشته آنان را «مفتخور» نیز نامیده است (همان: ۱۱۶). نمونه‌های دیگر، «زخرید» کنایه از خدمتکار (همان: ۳۵)، «خرپول» کنایه از ثروتمند (همان: ۳۶)، «کیفدار» کنایه از مأمور مالیاتی (همان: ۶۷)، پرتغالی کنایه از حزب توده (همان: ۱۴۵) و... هستند.

از نوآوری‌های افراشته در قالب کنایه، بهره‌گیری از کنایه‌های موصوفی ابتکاری است که خاص طنز وی است. وی با طفره‌رفتن از صراحت بیان و خلق معانی جذاب، به گزینایی سخن و جذب مخاطب افزوده است. این نوع کنایه‌ها تلاش شاعر به واداشتن خواننده شعرش، به تفکر در مورد مسائل جاری را نشان می‌دهد از این رو، پیکان نقد آنها روی در شخصیت‌های سیاسی، اداری دارد؛ مانند «یک هزار و یک فامیل» کنایه از خاندان محمدرضای پهلوی (همان: ۳۹)، «ناخنک‌چی» کنایه از مأموران شهربانی (همان: ۱۱۶)، «چی‌چی‌اک» کنایه از شهرداران بی‌کفایت (همان: ۱۲۱)، زورناچی کنایه از طرفداران سلطنت شاهنشاهی (همان: ۱۲۴)، «حلقه‌چی» کنایه از سیدضیاء طباطبایی (همان: ۱۴۹) و... .

طیف دیگر کنایه‌های طنز افراشته از نوع تعریض است. تعریض «جمله‌ای است اخباری که مکتبی عنه آن هشدار به کسی یا نکوهش یا تنبیه یا مسخره کردن باشد» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۷۳). افراشته بسیاری از انتقادهای خود را با تعریض بیان کرده است. آماج طنزهای تعریضی افراشته بیشتر سیاستمداران و دولتمردان جامعه عصر اوست. وی در شعر «اخوی»، از زبان شخصی به برادر تاجرش، می‌گوید:

نه وکیل، نه وزیرم، نه رئیس‌الوزرا حش این است که ضایع‌کنی وقت مرا
درد بیکاری اگر کرده تو را زار و ذلیل در مجلس که نبستند برو پیش وکیل
(افراشته، ۱۳۵۸: ۲۸)

وی در این شعر به تعریض، وکلا و وزرا را افرادی بی‌توجه به مشکلات و بیکاری مردم دانسته است. در شعر «عریضه» که نقیضه‌ای بر شعر «آکبلای» دهخدا است، به تعریض، وزرا، عدلیه، نظمیّه را آدم‌های بی‌رحم و بی‌تفاوت به سرنوشت مردم دانسته است. در این شعر که از قول زنی بیوه است، مشخص نیست که «عریضه‌نویس» شکایت زن را خطاب به چه کسی باید بنویسد تا حق شوهرش استرداد شود (همان: ۹۹-۹۸). وی همچنین واردکنندگان کالاها را بی‌کیفیت به داخل کشور را به طنز، «بزرگتران» نامیده و آنان را مثل حیوان، نادان معرفی کرده است.

از عملکرد این بزرگتران گل به آن گوشه‌ی جمال خران
(همان: ۹۳)

در نظر شاعر، دولتمردان، از مغولان هم بی‌رحمتر هستند:

پیش که بریم این شکایت؟ رحمت به مغول از این حکایت!
(همان: ۹۵)

تعریض حتی در عنوان یکی از آثارش نیز دیده می‌شود. وی که در سال ۱۳۳۲ به شوروی سفر کرد، در بازگشت، سفرنامه «پشت پرده‌ی قو» را نوشت «که این عنوان تعریضی بود به کسانی که شوروی را پشت پرده‌ی آهین می‌خواندند» (صدر، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

۴-۱-۲- انواع تشبیه

خنده و طنز در تشبیهات محمدعلی افراشته در گرو چند عامل زیر است:

یک) «مشبه به» نامناسب:

بیشتر اوقات، اساس طنزآمیز بودن تشبیهات این شاعر به سبب مشبه‌بھی است که از امور زشت و نامناسب انتخاب می‌شود؛ به عنوان مثال، وی ثروتمندان روزگارش را به مفتخوری متهم و به «کود کاهو» تشبیه کرده است:

تو به قدر کود کاهو نشدی مفید، عمری شده‌ای «جناب اشرف» به هوای مفت خوردن
(افراشته: ۱۳۵۸: ۸۱)

برخی تشبیهات وی، رنگ و بوی سیاسی دارد؛ مثلاً با تشبیه زنگنه (از سیاستمداران معروف) به «کنه» و تشبیه ارباب به «گره»، به رفتارهای قربانیان طنز خود مثل تجمل‌پرستی، ریاست‌طلبی، پرخوری، تنبلی و... اعتراض کرده است.

اندر این مملکت این مفتخور بی همه چیز هست چون گربه مولا سر هر سفره عزیز
(همان: ۱۵۵)

گفته‌اند از جای گرمی زنگنه سفت چسپیده است مانند کنه
(همان: ۱۷۱)

وی همچنین در تشبیهات «ارباب به نخاله»، «لباس فقرا به لنگ مندرس»، «دل اربابان به چدن»، «دلال به میرغضب»، «دهان به گور» و... (همان: ۸۱-۲۲۱) به نقد مهم‌ترین مصائب اجتماعی روزگارش پرداخته است.

دو) وجه شبه دوگانه

گاهی تشبیه، با وجه شبه دوگانه همراه است و استخدام موجود در وجه شبه و ایجاد معانی مختلف از طریق آن، طنزآفرین است:

... چیه تا چاره این کساد شود؟ تنگی رزق تا گشاد شود
(همان: ۱۹۸)

«گشاد شدن» در ارتباط با تنگی و رزق دارای معانی مختلف است و در ضمن، به تنگی معیشت مردم هم اشاره دارد.

همچنین، در بیت زیر، «حلقه به گوش بودن» برای دف، در معنای شکل ظاهری و برای انسان در مفهوم شکیبایی در برابر مشکلات به کار رفته است:

اندرین دایره می‌باش چو دف حلقه به گوش گر قفایی خوری از دایره خویش مرو
(همان: ۷۷)

سه) تشبیه به حیوانات

گاهی تشبیه از نوع تشبیه به حیوانات است. «مدد گرفتن از تصویر حیوانات مقاصد جاه‌طلبانه انسان را تحقیر می‌کند و از قدرت و منزلتشان کاسته و ارزش راستین آنها را نمایان می‌سازد» (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۸). افراشته نیز در شعر «خلع بد انگلیس از نفت ایران»، «موریسن» وزیر انگلیس را در هیئت ظاهری به گراز و اعمالش را چون گربه‌ای دانسته که به دنبال مزه‌کردن غذاهای مختلف است (افراشته، ۱۳۵۸، ۵-۲۳۴). وی همچنین، در انتقاد از حرص و زیاده‌خواهی ژاندارم‌های اعزامی به روستاها، آنها را به «گربه‌های دله» تشبیه کرده است:

گربه را «پیشست» چون کنی برود «پیشست» گفتمی مزاحمت نشود
«پیشست» بردار نیست این سرکار و در دستش، تفنگ هست و قطار ...
(همان: ۱۱)

گاهی، غرض طنزپرداز از تشبیه به حیوانات، اشاره به رفتار خاصی از حیوان است که همه آن حیوان را به آن رفتار می‌شناسند، مانند «تشبیه به خوک در پروارشدن و روباه در نهانکاری و دزدی» (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۸).

تشبیه و استفاده از نمادهای حیوانی در شعر «شغال محکوم» افراشته دیده می‌شود. در این شعر، شغال، نماد اربابانی است که در فصل درو محصول، در محل حاضر می‌شدند و بخشی از دسترنج روستاییان را از آن خود، می‌دانستند (افراشته، ۱۳۵۸: ۸۵).

۴-۱-۳- استفاده از مثل

کاربرد مثل‌ها نوعی بهره‌گیری از زبان توده مردم است و سخنور با ریختن معنایی گسترده در واژه‌هایی اندک، مسائل مختلف از جمله موضوع‌های سیاسی-اجتماعی را به زبان طنز، بیان می‌کند. کاربرد مثل در طنزهای افراشته متنوع است. وی، گاه از مثل با

نمادهای حیوانی استفاده کرده‌است که رفتار منسوب به آن حیوان، موتیف طنزآمیز به مثل می‌دهد. البته جنبه دیگر طنزآمیز بودن این گونه مثل‌ها، کاربرد استعاری نمادهای حیوانی بجای شخصیت‌های سیاسی-اجتماعی است، نظیر:

سرنیزه به پشت تو که تا چاره‌نجویی کارکردن خر، خوردن یابو تو نگویی
(همان: ۶۵)

مصراع دوم به مثل معروف «کارکردن خر و خوردن یابو» اشاره دارد که در انتقاد از تبلی و سوء استفاده از دسترنج دیگری است و به مناسبات ارباب-رعیتی در گیلان اشاره دارد. گاه، عنصر طنز در مثل، بر پایه غافلگیری و اجتماع نقیضین است و برآورده نشدن انتظارات مخاطب، شگفتی وی را به همراه دارد؛ نظیر «خربزه رسیده نصیب شغال می‌شود» (همان: ۱۱).

گاهی مثل‌ها با ساختاری تغییر یافته، در طنز به کار می‌روند. نظیر «دست ما کوتاه و خرما بر نخیل» که افراشته در تعریضی به نادانی کارکنان دستگاه قضا، مثل را به ضرورت شعر تغییر داده است. البته جنبه نقیضه‌ای مثل که اقتفا به غزلی از حافظ است نیز، در تقویت طنز بیت مؤثر است:

السلام ای حضرت قاضی سلام مردم بلخ از شما راضی سلام
ای فقیه عالم و دانای راز دست ما کوتاه و خرما بس دراز
(همان: ۸۴)

همچنین، در بیت:

انگلیس و تو به هر صورت و حال سگ زرد است پسرعم شغال
(همان: ۲۲۶)

ضرب‌المثل «سگ زرد برادر شغال است» را به صورت تغییر یافته استفاده کرده است.

محمدعلی افراشته همچنین از مثل‌های رایج در بین مردم نیز بهره گرفته است؛ نظیر «هرکه بامش بیش، برفش بیشتر»، «نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود» (همان: ۵۹)، «رنگ

رخساره خبرمی دهد از سرّ ضمیر» (همان: ۶۲)، «زمستان تمام می شود و روسیاهی برای ذغال می ماند» (همان: ۲۳۶) و

۴-۱-۴- تلمیح

افراشته با استفاده از آرایه تلمیح و با اشاره اعتراض آمیز به کارهای «پزشک احمدی و سرهنگ مختاری»، از خوانین و سیستم ارباب-رعیتی در روستاها انتقاد کرده است. وی خطاب به شغالی -که استعاره از اربابان ظالم روستاهای گیلان در دوره شاعر است- می گوید:

... حال اگر توبه وصیت داری احمدی وار بگو مختاری
(همان: ۱۶۰)

وی هم چنین با یادآوری داستان حضرت نوح (ع) و طوفانی که ابتدا از تنور پیرزنی شروع شد، به طبقه سلطه هشدار می دهد که مبادا به زیردستان ستم کنند که در این صورت، طوفان نوح وجودشان را نابود می کند:

...بالبداهه می شود دنیا خراب از تنور پیرزن می جوشد آب
(همان: ۸)

۴-۱-۵- علم معانی

عمده کار علم معانی دگرگونه استفاده کردن جملات امری، عاطفی، پرسشی و خبری است. مثلاً، غرض از جمله امری، انجام کاری یا طلب امری از موضع امری بالاتر است اما گاهی هدف گوینده، خلق چیزی جز امر و دستور است. مثلاً، افراشته، در ابیات زیر خطاب به محمدرضاشاه، فعل های امر «غارت کن و چپو کن» و ... را دقیقاً در معنای نهی آن به کار برده است:

...غارت بکن چپو کن، آتش بزن، بسوزان... در نزد انگلستان، مانند امربر شو...
حلقه به گوش نوکر عیناً تو چون پدر شو... ضمناً برای آمریکا مانند یک سپر شو...
(همان: ۱۸۷)

مواردی مثل انکار، استعباد، توبیخ، اعتراض و... از اغراض بلاغی استفهام، هستند:
انکار:

چه توفیر داری تو با خان دهاتی؟ چه فرق است بین تو و آن، دهاتی؟
(همان: ۱۱۳)

اعتراض و انکار:

خط مگر داری از آقای وزیر یا که دستور شفاهی ز امیر؟
(همان: ۱۵۹)

توبیخ:

بی شرافت به کدام استحقاق می کنی خربزه‌ها را قاچاق؟
(همان: ۱۵۹)

غرض ثانوی استفهام در ابیات فوق، اعتراض به اختلاف طبقاتی و سیستم ارباب-رعیتی در روستاها بویژه قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ و توبیخ کسانی است که از این قوانین حمایت می کردند.

۴-۱-۶- انواع آبرونی

آبرونی از مهم‌ترین شگردهای بلاغی است و به سبب ماهیت نقیضی (پارادوکسیکال) خود، کاربرد زیادی در طنز دارد. افراشته از بین انواع مختلف آبرونی بیشتر از سه نوع آبرونی «کلامی»، «ناهمخوانی» و «بلاغی»، بهره گرفته است.

در آبرونی کلامی که گاهی بر «ضدیت و مباینیت لفظ بر معنا استوار است» (نیکویخت، ۱۳۸۰: ۱۱۶)، نویسنده خلاف آن چیزی را می گوید که منظور دارد و خواننده هم به منظور اصلی او آگاه است. افراشته در چند شعر خود به جنگ افروزی و

تفرقه‌افکنی آمریکا در کشورهای دیگر اشاره کرده است. در شعر «حافظ صلح» خطاب به ترومن (Truman) (رئیس‌جمهور وقت آمریکا) وی را به طنز، مردی صلح‌طلب معرفی می‌کند، اما از لحن کلام پیداست که منظورش خلاف این معناست:

حافظِ صلحِ جهانیِ ترومن صلح ول می‌کند از بمب‌افکن
از عطا‌های جناب ایشان صدی هشتادِ کره صلح‌نشان
(افراشته، ۱۳۵۸: ۲۱۷)

این شگرد، گاهی به عنوان استعاره‌ای برای استهزاء، به کارگرفته می‌شود. افراشته با این روش، هندرسُن (Henderson) (سفیر وقت آمریکا در ایران) را جناب سفیر و حضرت مستطاب خوانده است:

ای جناب سفیر آمریکا باز گل کرده التفات شما
حضرت مستطاب هندرسن دست از ما بکش ره‌امان کن
(همان: ۲۳۱)

گونه دیگر آبرونی، نوع کلامی آن است که به تقابل‌سازی نیز معروف است و در تعریف آن گفته‌اند: «در کنار هم قراردادن اشیا با اهمّیت نامساوی» (حری، ۱۳۸۷: ۷۱). طنزپرداز در این شگرد با قراردادن پدیده‌های ناهمخوان در کنار یکدیگر، سعی می‌کند مفاهیمی نظیر افشای دروغ و ریا و توصیف بی‌عدالتی و نابرابری‌های جامعه را به مخاطب القا کند.

از مصادیق این نوع طنز، شعر «برف اغنیا و برف فقرا» افراشته است. وی در این شعر، با به کارگیری واژگانی متقابل چون سیخ کباب، دم و دود، دلبر مو طلا، ضرب تهرانی، رقص شرقی و... در مقابل کلماتی مثل: ولو، بی در و پیکر، گونی پاره، کفش و شلوار و کت کهنه، بوی پلو، گرسنه و... تضاد و اختلاف طبقاتی دو گروه «دارا و ندار» را بخوبی نشان داده است.

همان طور که از اسم شعر نیز برمی‌آید افراشته طیف وسیعی از واژگانی را که ذاتاً بار متضاد دارند در کنار هم قرار داده که این هم‌نشینی طنزآمیز است.

برف اغنیا:

توی این برف چه خوبست شکار، آی گفتی!
ران آهوپی و سیخی و کباب و دم و دود
گردش اندر ده ما آنور غار، آی گفتی!
اسکی و ویسکی و آجیل آچار، آی گفتی!
مو طلا دلبر زاغ و تپل و سرخ و سفید
با سیه چشم و سیه چرده نگار، آی گفتی!

برف فقرا:

توی این برف چه خوبست الو، آی گفتی!
یک دو تا گونی پاره که روی دوش کشیم
یک بغل، نصف بغل، هیزم مو، آی گفتی!...
نکند برف اثر در من و تو، آی گفتی!
کفش و شلوار و کتی کهنه و نو، آی گفتی!
گوشه دنجی و گرمی، که توان چرت زدن
(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۰۷-۱۰۳)

آیرونی بلاغی نیز در طنز افراشته به کار رفته است. از ویژگی‌های این نوع آیرونی، ناهماهنگی وزن و موضوع شعر است (ر.ک.: وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۷۲). این مورد در مثنوی «اجرای قانون» از افراشته دیده می‌شود که انتقادی است طنزآمیز از مجریان قانون که خود از آن تخطی می‌کنند.

وی به دلیل هرج و مرج‌های داخلی، بی‌عدالتی دستگاه قضا و خطاکاری مجریان قانون، ایران دوره خود را به «بلخ» (معادل شهر هرت) مانند کرده است. شعر در بحر متقارب و به اقتضای فردوسی و دارای لحن جدی و رسمی است. از این رو، خواننده انتظار اقدامات نظامی و دلاوری‌های مردان جنگی دارد:

شـنیدم که در بلخ هفتاد رنگ
تـهی از حقیقت، پراز دنگ و فـنگ
«پـی مصلحت مجلس آراستند
نشستند و گفتند و برخاستند» ...
دلـیران همـه اسبـها زیـن کنند
همـه قلبـها مملو از کیـن کنند ...
(افراشته، ۱۳۵۸: ۹۱)

نکته طنزآمیز در این است که شعر تا ابیات پایانی به همین سبک ادامه پیدا کرده و شاعر از اقدامات شجاعانه مجریان قانون در دفع مفسد اجتماعی می‌گوید:

هر آنجا که دیدند شیره‌کشی ابر هر کجا منقل و آتشی ...
مبادا درنگ و تأمل کنند در اجرای فرمان تعال کنند
که وافور و نی دوده بشکسته باد در شیره‌کش خانه‌ها بسته باد ...
(همان: ۹۲)

علاوه بر ناهمگونی وزن و محتوای شعر، تغییر غیرمنتظره‌ای لحن شعر به طنز نیز، خواننده را غافلگیر می‌کند.

رابین هملی طنزپرداز آمریکایی در مورد نقش غافلگیری در ایجاد طنز می‌گوید:
«اصل غیرقابل پیش‌بینی بودن خیلی مهم است، ما به چیزی که غافلگیرمان کند می‌خندیم ... برای این که با درک چیزی متفاوت جاخورده‌ایم» (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۶۶).
ابیات پایانی شعر با طنز تلخی همراه است چون که مجریان قانون به جای انجام وظیفه، در قهوه‌خانه‌ای مشغول استعمال مواد مخدر هستند. عبارت «اجرای قانون با دود افیون» تعبیر متناقضی است که افراشته به مدد آن، به وفور شرابخانه‌ها و ناکارآمدی مجریان قانون در بستن مراکز فساد در عصر خود انتقاد کرده است:

...آهای قهوه‌چی، آتش صاف و خوب معطل مکن داره میشه غروب
بیاور که اجرای قانون کنیم دماغی تر از دود افیون کنیم
(همان: ۹۲)

۴-۱-۷- توجیه

در این شیوه، طنزپرداز سعی می‌کند با عادی جلوه‌دادن نابسامانی‌های جامعه و با توجیه‌کردن آنها به خواننده بفهماند که وجود این معایب در جامعه کاملاً عادی است. البته این توجیه کاملاً تعمّدی است و خواننده نیز متوجه عمّدی بودن آن می‌شود. افراشته با دل‌خوش کردن مردم به عشق و دلدار، گرسنگی، بی‌پولی و حکومت نظامی جامعه خود را توجیه کرده و آنها را کم‌اهمیت جلوه داده است:

نمان نیست نباشد که سر یار، سلامت
بیکاری و فقر است که دلدار سلامت
ما را چه آجان آمده با موجر و منزل
ما کشته عشقیم به صد دل نه به یک دل
(افراشته، ۱۳۵۸: ۵۵)

نمونه دیگر:

تو ای کارگر رادیو گوش کن
شکم را بکلی، فراموش کن...
اگر لخت و عوری، چرا دلخوری؟
که لختش قشنگ است حور و پری...
(همان، ۶۹-۶۸)

۴-۱-۸- عناوین طنزآمیز

عناوین طنزآمیز را به دو دسته ماجرای و مضمونی تقسیم کرده‌اند. عناوین ماجرای شامل خلاصه‌ای از حوادث حکایت و عناوین مضمونی دربردارنده مضمون و پیام آن هستند (اخوت، ۱۳۷۱: ۵۷). عناوین طنزهای افراشته، با متن اشعارش مرتبط است به طوری که بدون توجه به این عناوین، خواننده از درک نکات ظریف طنز بازمی‌ماند. بیشتر این عناوین از نوع ماجرای است که با دقت به آنها، بخشی یا همه موضوع طنزهای افراشته، نمایان می‌شود. نظیر «اجرای قانون» (افراشته، ۱۳۵۸، ۹۱)، «امپراتور ده (همان: ۱۱۳)، «مادرزور» (همان: ۱۳۳)، «بنگی عاقل‌نما» (همان: ۱۳۶)، «وکلائی دیزی» (همان: ۲۲۰) و... خنده حاصل از این عناوین به دو علت است:

۱) استعاری بودن عناوین که باعث می‌شود خواننده برای یافتن ارتباط عناوین و متن طنز به خواندن آنها ترغیب شود. مثلاً، در شعر «سخنرانی گرگ برای بره» (همان: ۳۶)، گرگ استعاره از کارفرمایانی است که در لباس بره برای فریب کارگران، سخنرانی می‌کنند. همچنین، «تخم بی‌زرده» (همان: ۲۰۰)، (استعاره از حامیان برنامه‌های استعماری آمریکا در کشورهای شرقی از جمله ایران)، «زباله درگونی» (همان: ۲۲۹)، (استعاره از برخی چهره‌های سیاسی وقت و همچنین چتربازان اعزامی انگلستان به ایران).

۲) دلیل دیگر طنزآمیز بودن این عناوین، بکارگیری علائم سجاوندی است. افراشته از بین این علائم، بیشتر از علامت تعجب و به شکل‌های (!، !!، !!!، ؟!) و یک بار نیز از گیومه استفاده کرده است. صابری فومنی دلیل گذاشتن علامت تعجب جلوی عناوین طنز را «سر نخ دادن» به خواننده عادی دانسته است (صابری فومنی، ۱۳۷۳: ۲۵۳).
افراشته در عناوینی چون اجرای قانون! (افراشته، ۱۳۵۸: ۹۱)، قبله عالم! (همان: ۱۶۲)، آسوده بخوابید! (همان: ۱۲۴) و... در پی انتقال مفاهیمی چون شگفتی، تحقیر، نفرین، استهزا، هشدار و... به خواننده شعر خود است. همچنین یکی از هدف‌های کاربرد گیومه، برجسته کردن اصطلاحات خاصی است که توجه و تفکر خاصی را می‌طلبد.

یکی از عناوین طنزهای افراشته که علامت گیومه (») دارد، شعر «سردم» است که شاعر در آن، نبود سرویس بهداشتی در شهر بزرگی چون تهران را با طنز به باد انتقاد می‌گیرد؛ شهری که علی‌رغم ساختمان‌های شیک، باغ‌ها و قصرهای فراوان، از نبود یک سرویس بهداشتی در عذاب است. این شعر انتقادی به شهردار و شهرداری‌ها است که به صورت نو، ایجاد شده بودند، ولی چندان از پس وظایف محوله بر نمی‌آمدند. در سراسر دیوان شاعر تنها این شعر، کمی زبان دور از عفت کلام دارد:

... شهر، دارای شهردار کلفت با تمام عوارض هنگفت
شهر دارای هیئت دولت ریدن آسان نمی‌کنند ملت
(همان، ۶۷)

۴-۱-۹- تیپ‌سازی

تیپ‌های «پیشه‌ور» در شعر «مالیاتی» و در هیئت شخصی به نام «مشهدی حسن»، «مقدس نماها» در شعر «کبله محمود تره‌بارفروش»، فقرا و اغنیا در شعر «برف» و... مهم‌ترین تیپ‌های افراشته محسوب می‌شوند (ر.ک.: افراشته، ۱۳۵۸).

به دلیل جانبداری افراشته از حزب توده و برخی گرایش‌های حزبی مربوط به دورانی سپری شده، ضیایی تیپ‌سازی‌های او را در روزنامه «چلنگر» شاخص یک دوره و تفکر خاصی دانسته است (ضیایی، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

اما شفیع‌کدکنی ضمن تأکید بر اهمیت تیپ‌سازی در طنز، نوع ادبی طنز را «تصویر هنری اجتماع نقیضین» دانسته و معتقد است که هرچه طنزپرداز در ساختن تیپ موفق‌تر باشد، طنز وی ماندگارتر خواهد بود. وی هم‌چنین لطف و امتیاز شعر افراشته را ساختن تیپ‌های زنده‌ای دانسته است که در تاریخ قابل تکرار هستند (شفیع‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۶۹).

به همین دلیل می‌توان مدعی شد که افراشته با تیپ‌سازی، شعر خود را از گزند روزمرگی و آسیب زودمردگی نجات داده است. همین امر باعث شده است، خواننده امروز همانند مخاطبان دهه‌های بیست و سی از شعرش لذت ببرد. مثلاً تیپ برساخته شاعر در شعر عریضه، نماینده همه زنان کارگری است که وضع مشابهی دارند و برای سیرکردن عائله خود به هر چیزی متمسک می‌شوند.

شفیع‌کدکنی با تأیید بار عاطفی این شعر، می‌گوید: «هنوز هم مرا به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و با عواطف من درگیر می‌شود. هر بار از خواندن گفتگوی زن کارگر با عریضه‌نویس دم پستخانه، بغضم ترکیده و گریسته‌ام ... هنر اگر این نیست، پس چیست؟ (همان: ۴۶۶، پارس‌پور و خوئینی، ۱۳۹۵: ۱۲). اگر به پایان این شعر بنگریم، می‌بینیم که شخصیت زن در این شعر زبان رسای دیگران شده و از بی‌توجهی سردمداران و مسئولان حکومت وقت، نسبت به سرنوشت مردم می‌نالند:

... بنویس به شاه یا به وزیر یا جای دیگر بنویس به عدلیه به نظمی به محضر
بنویس به یک آدم با رحم و کلانتر بایست عریضه به کجا داد، آمیرزا؟
بایست که از ما بکند یاد، آمیرزا؟
(افراشته، ۱۳۵۸: ۹۸)

تیپ‌سازی می‌تواند زیرمجموعه کوچک‌سازی در آفرینش طنز قرار گیرد که این ویژگی در شعر «شغال محکوم» افراشته دیده می‌شود. شعر، از شغالی می‌گوید که بعد از مدت‌ها دستبرد به مزرعه کشاورز فقیر به تله افتاده‌است و روستایی ساده دل، او را محاکمه و به اعدام محکوم می‌کند. تپیی که افراشته در این شعر خلق کرده، فتودالیسم حاکم و دستگاه اداری عصر شاعر است که با رشوه، فساد و سردواندن مردم، باعث سلب آسایش آنان بودند. افراشته در پایان شعر، ضمن اشاره طنزآمیز به اقدامات «پزشک احمدی و رکن‌الدین مختاری»، به طبقه کشاورز هشدار می‌دهد که اعدام یک شغال (اربابان ظالم) کافی نیست، بلکه باید همه شغال‌ها اعدام شوند تا مردم با رهایی از فقر، حاکم بر سرنوشت خویش گردند» (همان: ۱۵۸).

احمدی‌وار بگو مختاری	... حال اگر توبه وصیت داری
سـر جـالیـز بـه دـارت بـزنم...	پوستت را کنم و گاه کنم
حضرت اشرف و خان و اعیان	زالوی خون هزاران دهقان
همه بودند به عرف و تو شغال	داشتی گر هنر و عقل و کمال

(همان، ۱۶۰-۱۵۸)

۴-۲- شگردهای زبانی

طنزهای زبانی، با هنجارشکنی آمیخته است. از این رو هرچه طنز، عنصر ساختارشکنی بیشتری داشته باشد، جذاب‌تر است.

۴-۲-۱- انواع نقیضه

کسی که نخستین بار نقیضه را در برابر پارودی فرنگیان قرارداد، علامه قزوینی بود (قزوینی، ۱۳۳۸: ۱۲۲). از نقیضه به عنوان «نوعی فرار از تقلید محض» یاد کرده‌اند (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۸۸: ۷۲). از آنجا که پیدایش نقیضه‌ها، به اقتفای وزن و قافیه شعر شاعران مشهور است، پس اگر خواننده، با مدل اصلی آشنا نباشد، به هنر طنزنویس

پی‌نمی‌برد. از حیث بسامد، نقیضه‌گویی ویژگی برجسته طنزهای افراشته است که وی بیشتر از گونه لفظی آن بهره گرفته است. این نامگذاری برگرفته از تقسیم‌بندی «جوزف شپلی» (Joseph Shapley) از انواع نقیضه است. وی نقیضه را به سه قسمت «لفظی»، «صوری» و «درونمایه‌ای» تقسیم می‌کند (اصلائی، ۱۳۸۵: ۲۳۹). افراشته، با مهارت خاصی که در استفاده از اشعار مشهور پیشینیان، مانند سعدی، حافظ، نظامی و... داشت، با دخل و تصرف در اشعار آنها و همانندسازی‌های لفظی، وزن، قافیه، نقیضه‌های لفظی ساخته است. به طوری که با کمی تسامح، کل اشعار وی را می‌توان نقیضه لفظی از اشعار پیشینیان با مفهوم طنز اجتماعی-سیاسی دانست. مثلاً در شعر «پالتوی چهارده ساله» که نقیضه‌ای از لیلی و مجنون نظامی است، با سوژه قرار دادن «پالتوی خود» از فقر می‌گوید:

ای چهارده ساله پالتوی من	ای رفته سرآستین و دامن...
هرچند که رنگ و رو نداری	وارفته‌ای و اطو نداری
ای رفته به ناز و آمده باز	صد بار گرو دکان رزاز
خواهم ز تو از طریق یاری	امساله مرا نگاه داری
این بهمن و دی مرو تو از دست	تا سال دگر خدا بزرگ است

(افراشته، ۱۳۵۸: ۶-۷۵)

این شعر یک نمونه انتقاد از فقر توده‌های مردم است. پالتو در این شعر سمبلی است نه برای تنگدستی شاعر، بلکه برای تمام آنهایی است که وضع مشابهی دارند. اگر بپذیریم که از منظر نقد جامعه‌شناسی، اثر هنری مورد نظر با طبقه اجتماعی آفریننده آن، مرتبط است (شیرانلو، ۱۳۵۸: ۱۶۹)، دیدگاه افراشته نسبت به مسأله فقر و غنا، به وضعیت شغلی و خانوادگی او برمی‌گردد.

تمایل افراشته به موضوع‌های اجتماعی بیشتر به خاطر کارکردن وی در کارخانه سیمان و شهرداری و تجربیات سخت در زندگی کودکی و نوجوانی است. دیگر نقیضه‌های لفظی وی عبارتند از: «شوفر مست»، «به شرط کارکردن»، «رادیو برای

کارگران»، «مزرع سبز فلک»، «تیرترقه‌ای» و «عریضه» که بترتیب نقیضه‌هایی از اشعار ناصر خسرو، غزلیات و بوستان سعدی، مثنوی مولوی، حافظ و دهخدا هستند. از ایراداتی که می‌توان به نقیضه‌های لفظی افراشته گرفت، شتاب‌زدگی، مسلک‌گرایی و شعارزدگی است که کمی از ارزش هنری آنها کاسته است. به همین دلیل گفته‌اند: «افراشته درست در آنجا که می‌کوشد کادر حزبی خوبی باشد، هنرمند بدی است» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۸۳).

نوع دیگر، نقیضه‌ی صوری مبتنی بر سبک و شیوه بیان خاصی بوده و با اتخاذ شیوه خاص شاعران و یا نویسندگان مشخص، موضوعی خنده‌دار و مضحک انتخاب می‌شود. لحن، وزن، واژه‌ها و حتی سبک حکایت‌گویی که افراشته در شعر طنز «در زیر سرپوش» به کار گرفته است شبیه سعدی در بوستان است:

...یکی گربه در خانه زال بود	که پیوسته اوقات بدحال بود
بشد گربه‌خانه تيمسار	به ماهی، پلنگی درآمد ز کار
به سی روز، آن گربه مردنی	بشد قد تيمسار از خوردنی
کرا خواربار آمد از هنگ، مفت	چه خواهد شدن غیر گردن کلفت ...

(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۸۱)

در برخی نقیضه‌ها، یک مصراع از یک اثر مشهور و مصراع دیگر از آن سراینده است. در این گونه نقیضه‌ها با ایجاد محتوا و یا دادن مفهوم جدید به مصراع استقبال شده، خنده و طنز پدید می‌آید. افراشته در انتقاد از نظام ارباب رعیتی و به اقتضای «موش و گربه» و بیتی از «گلستان» می‌گوید:

«ای خردمند عاقل و دانا» ای رفیق عزیز دهقانان
«گر تضرع کنی و گر فریاد» خان به تو مزرعه نخواهد داد
(افراشته، ۱۳۵۸: ۷۶)

از نقیضه‌های خاص در طنز افراشته، نوعی نقیضه ملامع است که البته بسامد بسیار کمی دارد و دلیل این امر نیز، به لازمه ساده‌بودن طنز وی و توجه به مخاطب عام برمی‌گردد. وی در انتقاد از هرج و مرج‌های اداری عصر خود، رئیس اداره‌ها را به «یزید» تشبیه کرده است. هارمونی ایجاد شده بین یزید و زبان عربی، به برجسته شده طنز شعر کمک بیشتری می‌کند:

می‌نشیم پشت میزم چون یزید قادر فی کُلِّ شَیْ ما اُرید...
(همان، ۱۲)

۴-۲-۲- هنجارگریزی

هنجارگریزی که از شاخه‌های آشنایی‌زدایی است، «انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم مطابقت با زبان متعارف است که نخستین بار، گروهی از فرمالیست‌های چک آنرا مطرح کردند» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۴۴۵). این سبک در شعر فارسی با «طرزی افشار» شناسانده شد. آشنایی‌زدایی در طنز افراشته به سه شکل: مصادر جعلی، جابه‌جایی در نویسه‌های فارسی و اشتباهات تعمّدی به کار رفته است. مصادر جعلی مثل:

می‌شعری و می‌خوانی و می‌چاپی انگار در نیمه‌دی‌ماه یخی آمده بازار
(افراشته، ۱۳۵۸: ۵۴)

وی همچنین، به جای «پینه‌زدن و اشاره کردن»، از پینه‌آیدن و اشاراتیدن استفاده کرده است (همان: ۱۱۰-۱۵۱).

گاهی جابه‌جایی در نویسه‌های فارسی به شکل نامتعارف آن ایجاد طنز می‌کند. افراشته با مقطع نوشتن کلمات در بیت زیر، بنوعی، لکننت زبان شخص را در برابر مافوقش نشان می‌دهد:

ارواح قلی کشور ایران چو بهشتی است صد ره ب...ب...بهرت زع...عهد ک...کیانست
(همان: ۱۲۴)

نوع دیگر هنجارگریزی اشتباهاتی است که افراشته به صورت تعمدی در طنزهای خود استفاده کرده است. شرط خنده‌دار بودن در این نوع، این است که خواننده متوجه عمدی بودن آنها بشود.

مثلاً، وی در شعر «وکلائی دیزی» به مناسبت منفعت‌طلبی نمایندگان مجلس، آنها را عاشقان دیزی معرفی می‌کند و در بیتی طنزآمیز، به جای ذوالفقاری (از سیاستمداران وقت) از ذوالتغاری (صاحب ظرف بزرگ) استفاده کرده است که تلویحاً به پرخوری و زیاده‌خواهی نمایندگان اشاره دارد.

همچنین هستم غلام «اصل چار» ذوالتغاری هست با من هم قطار
(همان: ۲۲۰)

و یا کاربرد تعمدی دکتر نخعی به جای دکتر نخعی، و کیل بندرعباس که با قاچاق پارچه و نخ منافع زیادی به جیب زده بود (همان: ۱۴۵). بازی کلامی نخعی و نخعی، طنز بیت را تقویت کرده است. همچنین با استفاده عمدی «منگنه» به جای «زنگنه» (نظامی معروف آن روزگار) (همان: ۱۳۵) و بهره‌گیری از وجه شبه مشترک «تحت فشار قرار دادن»، معنای طنز آفریده و بیانگر این است که حکومت وقت از نیروهای نظامی به عنوان اهرم فشار بر مردم استفاده می‌کرده است.

۴-۲-۳- واژه‌های طنز به اشکال مختلف

یک) زبان محاوره، که به دلایلی نظیر اهمیت مخاطب و تلاش طنزپردازان به انتقال ساده پیام، پشتوانه قدرتمندی برای طنزگویی و از اصلی‌ترین مؤلفه‌های طنز فارسی است. به عقیده یکی از پژوهشگران طنز، ملوین هلیتزر، (Helitze melvin) «برخی از کلمات به خودی خود بار طنزآمیز دارند و می‌شود از آنها در آثار طنز برای خندانند مردم به خوبی استفاده کرد» (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۲۷۰). بر این اساس، برخی از واژگان کوچک و بازاری در طنزهای افراشته از ویژگی ذاتی خنده‌انگیزی برخوردارند، نظیر «دیگ و پاتیل» (افراشته، ۱۳۵۸: ۳۸)، جنقولک (همان: ۱۲۵)، اشکلک (همان: ۱۳۳)، قاقالی لی (همان: ۱۳۶)، قلچماق (همان: ۱۵۲)، بقبقو (همان: ۲۰۱).

دو) مصدرهای ساختگی، مثل چایمان (چاییدن) (همان: ۶۳)، سلفیدن (به معنی پول دادن) (همان: ۷۱).

سه) کلمات فارسی به صورت شکسته، مانند اتول (اتومیل) (همان: ۱۴۷)، سارا (تیمسارا) (همان: ۲۱۱) و

چهار) استفاده از کلمات گویش گیلکی در اشعار فارسی. افراشته از آنجا که خود گیلک بود، تبحر خاصی در به کارگیری کلمات گیلکی در اشعار به زبان رسمی داشت که چنین امری مخاطب را غافلگیر کرده و این تناقض ایجاد شده، خنده‌آور است، مانند تاجه (نوعی کیسه) (همان: ۱۴۵)، گرباز دمه (دسته بیل) (همان: ۱۶۷)، مرغانه (تخم مرغ) (همان: ۱۷۶)، قایم (محکم) (همان: ۱۹۳) و ... که وی این واژه‌ها را در لابه‌لای بیت‌های فارسی آورده است.

پنج) واژه‌های دشوار و بیگانه، مانند غزلقورت (همان: ۳۳)، اریگاتور (همان: ۴۰)، پروپاگاندا (همان: ۵۷)، کنسولتاسیون (همان: ۶۳)، آرشین مالالان (همان: ۱۱۱)، فتولکا (همان: ۱۴۷) و

شش) ترکیب واژه‌های دوزبانه (عربی و فارسی) مانند بیت زیر:
فی‌النصیحه فی‌المثل فی‌الخرده‌ریز فی‌الکنایه فی‌الحکایه فی‌الگریز
(همان: ۱۳۶)

۴-۲-۴- واژه‌سازی

محمدعلی افراشته با نام‌دهی به قربانیان طنز خود و اسم‌گذاشتن روی آنها، واژه‌های طنزآمیز ساخته است. منظور از نام‌دهی استفاده نویسندگان مختلف از امکانات واژگانی زبان، برای نام‌گذاری گروه‌های مختلف است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). اگرچه افراشته با این شگرد فضای شعرش را طنزآمیز کرده است، اما عیب اصلی این شیوه این است که رسالت اصلی طنز یعنی اصلاح و سازندگی را کمی خدشه‌دار کرده و طنز را به هجو نزدیک می‌کند.

یکی از زیباترین طنزهای افراشته در خصوص مناسبات ارباب-رعیتی، منظومه «مفتخورالاعیان» نام دارد که به صورت یک گفتگوی دو نفره بین دو شخصیت ارباب و «مشهدی حسن» است. این شعر، نظام فتودالی گیلان را در زمان شاعر به طرز هنرمندانه‌ای ترسیم می‌کند و علاوه بر این، تمام روابط و مناسبات این نظام را با طنزی قوی به نقد می‌کشانند. «مفتخورالاعیان» لقب طنزآمیزی است که افراشته، به یاری آن از عملکرد اربابان و خان‌های روستاها انتقاد کرده است (افراشته، ۱۳۵۸: ۶۱).

وی افرادی را که به ناحق از دسترنج کشاورزان استفاده می‌کنند، انگل‌الملک و ملک‌الموت خوانده است (همان: ۱۵۹-۸۰). همچنین دادن القابی نظیر «یاردانقلی» به رؤسای اداره‌ها (همان: ۱۰۸)، «عمدة‌التجار» به بازاریان و تاجران ثروتمند بی‌انصاف (همان: ۱۲۷) و...، بیانگر ناهنجاری‌هایی در سیستم اداری-اقتصادی جامعه عصر شاعر است.

۵- نتیجه گیری

طنز در کارنامه ادبی افراشته مفهوم گسترده‌ای داشته و تنوع شگردهای مختلف طنز، بیانگر تسلط وی بر این نوع ادبی است. نگاه افراشته به مقوله طنز، نگاه لذت‌گرایانه و تفننی نیست، بلکه طنز وی از حالت شادی زودگذر به درآمده و به یک انتقاد سیاسی، اجتماعی بدل شده است.

در یک تقسیم‌بندی کلی و با توجه به ساز و کارهای موجود در دنیای طنز، شگردهای طنز در شعر افراشته شامل دو دسته شگردهای زبانی و بلاغی و شگردهای نوآورانه هستند. افراشته بخش عمده‌ای از اشعارش را با شگرد نقیضه‌گویی سروده است. به طوری که با کمی تسامح می‌توان کل اشعار فارسی وی را نقیضه لفظی از شعر شاعران دیگر دانست. رویه دیگر طنزهای افراشته، به کارگیری عناصر مختلف بلاغی است.

مشخصه اصلی طنزهای افراشته کنایه است که خود شامل عبارتهای فعلی، کنایه‌های موصوفی، ابتکاری و تعریضی است. طنزهای تشبیهی وی انواع مختلفی چون تشبیه حیوانی، تشبیه با وجه شبه دوگانه و عمدتاً از گونه محسوس به محسوس دارند. ضرب‌المثل‌ها را با ویژگی‌هایی چون نمادهای حیوانی، عنصر غافلگیری و ساختار تغییر یافته به کار گرفته است. بخش دیگر طنزهای افراشته طیف وسیعی از شگردها چون توجیه تعمّدی مفاسد، هنجارگریزی، انواع آبرونی و... را شامل می‌شود. آماج طنز وی در شگردهای مذکور بیشتر سیاستمداران داخلی و دولتمردان خارجی هستند. طنزهای وی کارکردهای زبانی نیز دارد.

به کارگیری لغات محاوره‌ای، واژگان فارسی به صورت شکسته و کلمات گویش گیلکی، به اشعار فارسی وی لطف خاصی بخشیده و در عوام فهم بودن و جذب مخاطب تأثیر بسزایی داشته‌اند. اما آنچه طنز افراشته را از دیگران متمایز کرده، شگردهای سبکی وی است.

وی با انتخاب عناوین درست برای اشعارش، به ارتباط بین طنز و متن اصلی افزوده، با شگرد واژه‌سازی، ترکیبات جدید طنز ساخته و در نهایت شگرد تیپ‌سازی طنز وی را از گزند روزمرگی در امان نگه داشته است. افراشته با هریک شگردهای مذکور طنزی گزنده آفریده و به انتقاد از یک مسأله سیاسی-اجتماعی پرداخته است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اخوت، احمد (۱۳۷۱)، نشانه‌شناسی مطایبه، اصفهان: فردا.
۲. اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۵)، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، تهران: کاروان.
۳. افراشته، محمدعلی (۱۳۵۸)، برگزیده اشعار فارسی و گیلکی، به کوشش محمود اعتمادزاده (به‌آذین) تهران: نیل.
۴. _____ (۱۳۵۸)، مجموعه آثار محمدعلی افراشته، به کوشش نصرت‌الله نوح، تهران: حیدر بابا.
۵. انوشه، حسن و همکاران (۱۳۷۶)، دانشنامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. جوادی، حسن (۱۳۸۴)، تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران: کاروان.
۷. حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، درباره طنز، تهران: سوره مهر.
۸. حلبی، علی‌اصغر (۱۳۶۴)، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، تهران: پیک.
۹. ساهر، حمید (۱۳۷۷)، سیر تحولات ۷۰ سال کاریکاتور در ایران، تهران: آتروپات کتاب.
۱۰. سلطانی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نی.
۱۱. سلیمانی، محسن (۱۳۹۰)، اسرار و ابزار طنزنویسی، تهران: سوره مهر.
۱۲. شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، معانی و بیان، تهران: فردوس.

۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹)، ادوار شعر فارسی، تهران: توس.
۱۴. _____ (۱۳۹۰)، با چراغ و آینه (در جست و جوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، تهران: سخن.
۱۵. شیرانلو، فیروز (۱۳۵۸)، گستره و محدوده جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران: توس.
۱۶. صابری، کیومرث (۱۳۷۳)، گزیده دو کلمه حرف حساب، ج ۲، تهران: موسسه گل آقا.
۱۷. صدر، رویا (۱۳۹۵)، اندیشیدن با طنز (سبزه گفتگو)، تهران: مروارید.
۱۸. ضیایی، محمدرفع (۱۳۸۸)، پرونده کاریکاتور، تهران: سوره مهر.
۱۹. قزوینی، محمد (۱۳۳۷)، یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸)، زیبایی‌شناسی سخن پارسی، تهران: مرکز.
۲۱. موسوی‌گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۸)، دگرخند، تهران: انجمن قلم ایران.
۲۲. میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷)، صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد ۱ و ۲، تهران: چشمه.
۲۳. نوروزی، جهانبخش (۱۳۷۶)، معانی و بیان، شیراز: کوشامهر.
۲۴. نیکویخت، ناصر (۱۳۸۰)، هجو در شعر فارسی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. وحیدیان‌کامیار، تقی (۱۳۷۶)، بررسی منشأ وزن در شعر فارسی، مشهد، آستان قدس رضوی.

ب) مقالات

۱. پارس‌پور، آیدا و عصمت خوئینی (۱۳۹۵)، «محتوای طنز در آثار محمدعلی افراشته»، زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱-۲۴.

۲. فاضلی، مه‌بود و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز دیوان خروس لاری از ابوالقاسم حالت و مجموعه آثار محمدعلی افراشته براساس الگوی ون لیوون»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۶۴، صص ۵۷ - ۸۸.